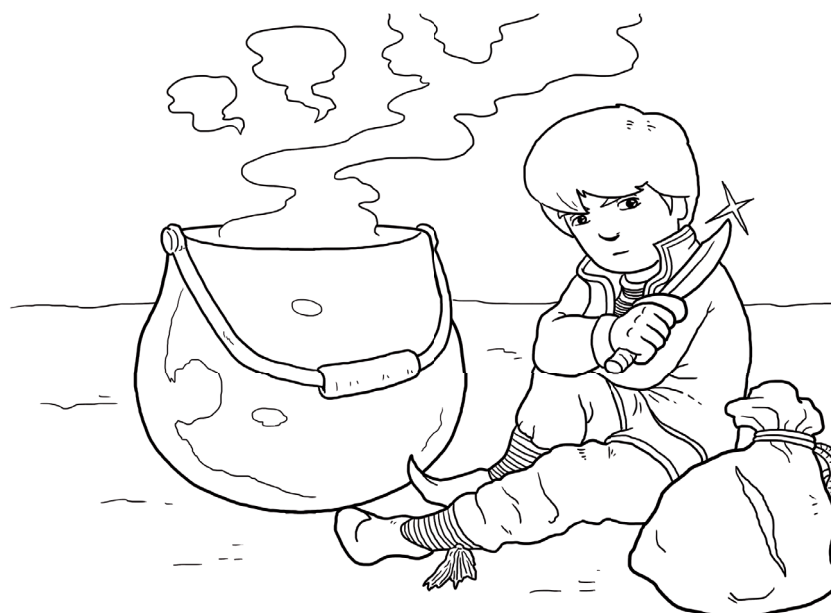




سامی ها همیشه قصه های زیادی داشتند.

استاللو به معنی ترول یا دیو است.

یک استاللو یک پسر سامی را دزدیده بود.

پسر دوست نداشت پیش استاللو باشد و برای همین در فکر فرار بود.
روزی او به استاللو گفت:

– می خواهی ببینیم چه کسی از همه بیشتر می تواند بخورد؟

استاللو دست به چانه اش کشید و فکر کرد:

– این پسر کوچک نمی تواند بیشتر از من بخورد.

آن ها به توافق رسیدند و در یک دیگ بزرگ، گوشت پخته شده ی آهو را گذاشتند. سپس آن ها شروع به خوردن کردند.

استاللو هر چه توانست خورد. ولی پسر زیاد نخورد.

او گوشت را در یک کیسه چرمی که روی شکم خود مخفی کرده بود می انداخت.
پس از مدتی پسر گفت:

حالا من سیر شدم. می خواهی ببینی من چقدر خوردم؟

استاللو می خواست بداند. پسر یک چاقو گرفت.

او کیسه را پاره کرد و همه ی گوشت ها از کیسه بیرون آمدند.

حالا باید استاللو نشان می داد که چقدر گوشت خورده است.

استاللو چاقویی گرفت و شکم خود را پاره کرد.

همه چیز همانطوری شد که پسر می خواست.

استاللو مُرد و پسر آزاد شد.